

تعریف متفق القولی از چیستی هیپنوتیزم وجود ندارد. برخی آن را به خواب تشبیه کرده و برخی به اغماء و برخی به بیهوشی و برخی به مستی. برخی دیگر آن را نوعی سحر می دانند؛ و برخی هیپنوتیزم را یک حالت روحی بین خواب و هوشیاری می دانند که فرد در کنترل هیپنوتیزم کننده در می آید و تلقین پذیر می شود بدون اینکه حافظه خود را از دست بدهد. این رویکرد به کارکرد هیپنوتیزم نزدیک تر است. غالباً نیز معتقدند که فرد کاملاً در اختیار قرار نمی گیرد و به ابزار تبدیل نمی شود بلکه لایه های اولیه تسلط ممکن است نه تسلط مطلق.

در هر حال، آیا تحصیل دلیل از طریق هیپنوتیزم ممکن است مانند اینکه قاضی، متهم را هیپنوتیزم کند؟ یا از هیپنوتیزم به عنوان ابزار برای رسیدن به دلیل استفاده کند مانند اینکه قاضی بعد از اخذ اطلاعات به طریق هیپنوتیزم، متهم را با آن روبرو کند تا مجبور شود حقیقت را بگوید؟ (به همین منوال در امور مدنی). در قوانین موضوعه ایران به صراحت به این موضوع پرداخته نشده است. گرچه در بادی امر هیپنوتیزم یک نوع اقرار شفاهی به نظر می رسد اما اقرار زمانی دارای اعتبار است که فرد تحت اراده آزاد و کامل به عمل آورده باشد. همانگونه که اقرار تحت شکنجه فاقد اعتبار است و علت آن مخدوش شدن اراده آزاد مقرر است، اقرار در پی هیپنوتیزم هم همین ویژگی را دارد گرچه رنج ناشی از شکنجه را ندارد. در اثبات اموری که ادله خاصی موضوعیت دارند دلیل ناشی از هیپنوتیزم به شدت کم اثر خواهد شد و حتی به سرزمین بطلان خواهد رسید، چرا که در هیچ موضوعی، هیپنوتیزم به عنوان طریق اثبات برشمرده نشده است. در مواردی نیز که تحصیل دلیل طریقی دارد، به این دلیل که نحوه تحصیل دلیل غیرقانونی است نمی توان هیپنوتیزم را طریق مشروع تحصیل دلیل دانست، چون هیچ مستندی به قاضی یا همیاران او مثل ضابطین دادگستری این حق را نداده است که متهم را با هیپنوتیزم تحت کنترل خود در آورد و از او سخن بستانند. متهم حق دفاع آزاد از خود دارد. اقرار با اراده آزاد دارای اعتبار است و سلب اراده، به هیچ عنوان جایز نیست. با این حال، یک سوال باقیست و آن اینکه اگر هیپنوتیزم بتواند به علم قاضی منجر شود، و موضوع متنازع فیه از نظر قانون بتواند با علم قاضی اثبات شود (اقناع وجدان قاضی)، آیا قاضی می تواند علم خود را کنار بگذارد؟! با توجه به ماده ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی، «آری» گفتن، سخت است: «هر گاه ادله ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می تواند به عنوان اماره قضائی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود.»

نتیجه اینکه خروجی هیپنوتیزم را نمی توان به طور کلی کنار گذاشت و حسب اوضاع و احوال می تواند به عنوان قرآینی برای اثبات امر به کار رود...

حال مهمترین سوال این است که اگر هیپنوتیزم را یک علم بدانیم و به کشف علمی جرایم، و ادله به طور کلی، معتقد باشیم، آیا باز هم نمی توان هیپنوتیزم را به کار گرفت؟!